

یادداشت‌های تاریخی

- ۱۰ -

و فیات معاصرین

از یادداشت‌های استاد علامه آقای

محمدقزوینی

بقیة حرف ع

حاج شیخ عباس قمی از اعظام فضلا و مورخین و متتبعین عصر حاضر ، از شاگردان (و فاتش در مرحوم حاج میرزا حسین نوری ، تولدش در دهه آخر قرن سیزدهم هجری قمری در نجف اتفاق افتاده و اوصاحب تألیف ۱۳۵۹ قمری) عدیده نفیسه است از جمله سفینه البحار در دو جلد و الکنی و الألقاب در سه جلد و هدیه الاحباب که کتاب کوچکی است در کنی و الألقاب و فوائد الرضویة در تراجم علماء مذهب جعفری که بتازگی يك جلد آن بطبع رسیده و تممة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء در دو جلد . وی در روز چهارشنبه بیست و سوم ذی الحجه سنه هزار و سیصد و پنجاه و نه هجری در نجف اشرف مرحوم شد .

عباس حلمی پاشا آخرین خدیو مصر که تا اوایل جنگهای بین المللی اول بعنوان عباس پاشا الثانی بر مصر امارت میکرد . (۱۳۶۴-۱۳۹۱ قمری)

وی که تحصیلات خود را در اطریش بانجام رسانده بود در سال ۱۳۰۹ قمری بجای پدر خود توفیق پاشا بخدیوی نشست و از ابتدای امارت سعی کرد که بسلطة انگلیس بر مصر ختمه بخشد .

عباس حلمی پاشا در دوره خدیوی خود بسیاری از مالیاتهای جائرانه را یا ملغی

نمود یا از سنگینی آنها کاست و در باب بسیاری از مسائل غالباً بین او و نایب -
الحکومه‌های انگلیس در مصر مثل لرد کرامر ۱ و لرد کیچنر ۲ اختلاف کلی حاصل شد.
هنگام شروع جنگهای بین المللی در سال ۱۹۱۴ میلادی عباس حلمی پاشا
بطرفداری از دوا عثمانی قیام کرد بهمین جهت دولت انگلیس او را در تاریخ ۱۸
دسامبر آن سال (۲۹ محرم ۱۳۳۳ قمری) از خدیوی معزول نمود و عم عباس حلمی
پاشا را بعنوان سلطان مصر بجاننشینی او اختیار نمود و با این عمل دوره تسلط اسمی
و روحانی عثمانی بر مصر خاتمه پذیرفت .

عباس حلمی پاشا در حدود بیستم دسامبر سال هزار و نصد و چهل و چهار
میلادی مطابق ششم محرم هزار و سیصد و شصت و چهار هجری قمری در ژنو (سوئیس)
در نتیجهٔ مرض ضعف قلب مرحوم شد بسن هفتاد و سه سالگی .

مولای عبدالحفیظ که آخرین سلطان نسبتاً مستقل مغرب اقصی (مراکش) بود
(۱۲۹۴-۱۳۵۶ قمری هجری) ولی دولت فرانسه بر او استیلا یافت و او را در شهر آنکن ۳
قمری هجری) در شمال پاریس بطور حبس نظر نگاه میداشت . در روز یکشنبه
بیست و دوم محرم سنهٔ هزار و سیصد و پنجاه و شش مطابق چهارم آوریل ۱۹۳۷ در
همان شهر آنکن مذکور مرحوم شد در سن ۶۲ سالگی . من آن مرحوم را در مسجد
پاریس دیده بودم و بتوسط آقای میرزا حسین خان علا سفیر کبیر سابق ما در فرانسه
در مسجد پاریس باو معرفی شده بودم و با وی قدری عبری فصیحی صحبت کرده بودم
از بعضی مغاربهٔ سکنهٔ پاریس استماع افتاد که مولای عبدالحفیظ مذکور (که فرانسه‌ها
همیشه نام او را مولای حفید؟ با دال عهمله بجای ظاء، معجمه و بحذف کلمهٔ «عبد»
تلفظ میکردند) مغنی الیب مشهور ابن هشام را در نحو بنظم در آورده بوده است
والعهده فی ذلك علی الراوی ، وی مرد نسبهٔ سمین سیاه چردهٔ خوش قیافهٔ و قور متینی
بود رحمة الله علیه رحمة واسعة .

عبدالحق حامد بیک
وفاتش در ۱۳۵۶
هجری قمری)
شاعر معروف ترکیه ظاهراً در اوایل سال هزار و سیصد
و پنجاه و شش هجری وفات یافت زیرا مجله «الفتح» منطبعة
قاهره که خبر وفات او را میدهد مورخه دوم ربیع الاول
از سنه مذکوره است .

مجله مذکور در وصف او گوید: «شاعر الترك الأعظم عبدالحق حامد بك ترکی
بلغته و مولده لکنه ۴ ربی مصری باصله و نسبه ، و جدہ الأعلى سیدی عبدالحق
السنباطی» .

سلطان عبدالحمید خان ثانی
(وفاتش در ۱۴۴۶ قمری)
سال ۱۲۹۳ هجری قمری بعد از خلع برادرش
سلطان مرادخان خامس بتخت سلطنت نشست و در عهد او جنگهای عثمانی با سرستان
و روسیه و یونان و قتل عام ارامنه اتفاق افتاد و او باستبداد و بیرحمی و سخت کشی
بسیار مشهور است .

در سال ۱۹۰۹ که حزب جوانان ترک غلبه یافتند و مشروطیت را در عثمانی
اعلان نمودند سلطان عبدالحمید خان ثانی بدست ایشان از سلطنت مخلوع گردید
و در بندر سالونیک محبوس شد و در آنجا بهمین حال میزبست تا شهر مزبور در سال
۱۳۳۰ قمری بدست یونانیان افتاد ، عبدالحمید باروپارو و در روز بیست و هشتم
ربیع الثانی سنه هزار و سیصد و سی و شش هجری مطابق دهم فوریه سنه ۱۹۱۸ میلادی
وفات یافت . مدت سلطنت او سی و هفت سال طول کشید .

ملا عبداللطیف طسوجی ۱ مترجم متن نثر الف لیلہ و لیلہ از عربی بفارسی ، شرح
احوال وی شرح اختصار در کتاب المآثر والآثار ص ۲۰۲ و دانشمندان آذربایجان

۱ - طسوج قصبه ایست در شمال دریاچه اورمیه واقع در هفتاد کیلومتری شمال
غربی تبریز و تقریباً در بیست کیلومتری شمال شرقی شبستر .

ص ٢٦٥ مسطور است و در این مأخذ اخیر تاریخ ترجمه وی الف لیله و لیله را بفارسی در سنه ١٢٥٩ و اولین مرتبه طبع آنرا در سنه ١٢٦١ (یعنی در حیات محمد شاه قاجار) در تبریز ضبط کرده است و لابد از روی مأخذی این دو فقره تاریخ مهم را راجع بترجمه الف لیله و لیله نقل کرده است و گمان میکنم که این دو تاریخ در دیباچه چاپ اول این ترجمه که چنانکه گذشت در سنه ١٢٦١ بوده و من هرگز ندیده‌ام باید مرقوم باشد چه در چاپهای دیگر آن کتاب این دو تاریخ موجود نیست ولی در دیباچه یکی از چاپهای متأخر آن کتاب واضحاً تصریح شده است که تألیف و چاپ آن در حیات محمد شاه قاجار یعنی قبل از سنه ١٢٦٤ بوده است.

در آن اوقات که من در پاریس بودم و مرحوم آقای حاجی میرزا یحیی دولت آبادی در بروکسل بودند من بمناسبت اینکه عیال ایشان نواده طسوجی صاحب ترجمه بوده است و لابد باین مناسبت ایشان اطلاعات منقحی در خصوص شرح حال طسوجی بایستی داشته باشند کتباً سؤالی در این موضوع از ایشان کردم، خلاصه جواب ایشان بعین عبارت ولی بحذف بعضی حشو و زواید و امور شخصی از قرار ذیل است:

بروکسل اردی بهشت ١٣١٠ * مرقوم شده است اگر از حال ملا عبداللطیف طسوجی بمناسبت قرابت سببی اطلاعی دارم بعرض برسانم، من خود آن مرحوم را در سن چهارده سالگی خویش در حدود سنه یکهزار و دو بیست و نود و چهار [قمری] در کربلا دیده‌ام که -- زیارت آمده بود و روزی بدیدن پدرم آمد قامت کوتاه داشت اندکی تنومند بود و عمرش آنوقت شاید از شصت متجاوز بود چه خوب بخاطر دارم که مدت خضاب محاسنش طول کشیده سفیدی مو در اطراف بشره نمایان بود عمامه ترمه بر سر داشت و عبا و قبای معمولی اهل علم آن زمان در بر،

* ملا عبداللطیف در تبریز در زمان ولیعهدی ناصرالدین میرزای قاجار ملاباشی ولیعهد و یا یکی از شاهزادگان بود، خودش شخص درویش مسلک فاضل و عیالش از

ز نه‌ای تحصیل کرده بافضل آن عهد بود و در کارهای ترجمه و تألیف شوهر خود را کمک میکرد.

«ملا عبداللطیف دختری داشت نصرت خانم نام کنه در حباله مسعود میرزای ظل السلطان در آمد و دو پسر، کوچکتر موسوم بود بمیرزا مهدی خان الله باشی اولاد ظل السلطان که معمم بود بزرگتر آنها محسن نام داشت که او هم در اوایل عمر طلبه بود و تحصیلات علمی و ادبی داشت و با همان لباس بعنوان ملائی در خدمت ظل السلطان در آمد ولی طولی نکشید که از آن کسوت خارج شد و لباس دیوانی باصلاح آنوقت در بر کرد و از رجال معروف دولت و ملقب بمظفر الملك شد و حکومت‌های بزرگ کرد، عیال نگارنده صیبه میرزا محسن خان مظفر الملك است.

«بخاطر دارم که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه حاج میرزا جواد آقای مجتهد معروف تبریز که در آنوقت یکی از مهم ترین رؤسای روحانی ایران بود از طرف دولت بطهران احضار گشت روزی باتفاق مرحوم مظفر الملك بدیدن آن مرحوم رفتم که در قصر ملك در شمیران منزل داشت، مجتهد از مظفر الملك پرسید لباس روحانیت چه عیب داشت که از آن خارج شدید مظفر الملك در جواب گفت چون دیدم بلوازم آن لباس نمیتوانم رفتار کنم این بود که آنرا ترك کردم، مجتهد از شنیدن این جواب که مشعر بر تعرضی بود در هم شد و بدان میماند که از سؤالی که کرده بود پشیمان شده باشد.

«آنچه از حال مرحوم ملاباشی عجاله میتوانم عرض کنم این بود و شاید بشود بیش از این هم تحقیقاتی کرد اگر ضرورت داشته باشد» انتهى.

در این مکتوب چنانکه ملاحظه میشود ابدأً ذکری از وفات صاحب ترجمه نشده است و همچنین نه در المآثر و الآثار و نه در دانشمندان آذربایجان از تاریخ وفات وی اثری نیست، ولی چون در مکتوب مرحوم دولت آبادی تصریح شده که

طسوجی در حدود سنه ۱۲۹۴ که مرحوم دولت آبادی او را در کربلا دیده بوده مردی شصت ساله بنظر میرسیده و از طرف دیگر چون المآثر و الآثار افعال راجع باو را بصیغه ماضی ذکر می نماید واضح میشود که در سنه ۱۳۰۶ قمری که تاریخ تألیف کتاب مزبور است وی دیگر در حیات نبوده است پس بالضروره وفات او بین این دو تاریخ یعنی ۱۲۹۴ قمری و ۱۳۰۶ محصور خواهد بود .

سید عبدالله بهبهانی از پیشوایان بزرگ مشروطیت پسر مرحوم سید اسماعیل (۱۲۶۳-۱۳۲۸ قمری) مجتهد بهبهانی، وی در سال ۱۲۶۲ هجری قمری در نجف

اشرف متولد شده و از شاگردان مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی بوده است .

قتل او غیلة چنانکه معروف است بدست حیدر خان مشهور بعمواوغلی در روز هشتم رجب سنه هزار و سیصد و بیست و هشت قمری مطابق با ۲۵ ژولیه ۱۹۱۰ مسیحی در طهران روی داد و جنازه او را بنجف برده در جنب مزار پدرش بخاک سپردند .

ملا عبدالله ماندرا نی مجتهد آزادی خواه معروف مشهور، در دوازدهم ذی الحجه (وفاتش در ۱۳۳۰ هجری قمری) هزار و سیصد و سی مطابق ۲۲ نوامبر ۱۹۱۲ میلادی در نجف اشرف مرحوم شد .

عبدالمجید خان دوم * پاریس - ۲۴ اکتبر [۱۹۴۴] - عبدالمجید خان دوم (وفاتش در ۱۳۶۳ قمری) آخرین خلیفه عثمانی در یکی از مهمانخانه های محقر اینجا بدرود زندگی گفت، خلیفه دوساعت پیش از مرگ حسین

بیک منشی سابق خود را خواست و نزد وی وصیت نمود، تمام دارائی خلیفه بیش از بیست هزار فرانک (دوهزار تومان) نمیشد، حسین بیک ناچار برای تجهیز جنازه

۱ - اگر احیاناً یکی از اعقاب مرحوم طسوجی این مجله بنظرش برسد و تاریخ علی التبعین روز و ماه و سال وفات آن مرحوم را برای اداره یادگار بفرستد با کمال امتنان درج خواهد شد و گوشه از تاریخ حیات یکی از نویسندگان مشهور ایران از زیر پرده ابهام بیرون خواهد آمد .

وسایر لوازم صد و بیست هزار فرانک دیگر قرض کرد و جنازه را از مهمانخانه بمسجد پاریس انتقال داد اکنون زوجه خلیفه سخت بیمار است و در یکی از بیمارستانها بسر میبرد

« در ژوئن ۱۹۱۸ که سلطان محمد پنجم مرحوم شد برادرش بنام محمد ششم بتصویب مجلس کبیر ملی ترکیه از سلطنت خلع گردید و پسر عمویش عبدالمجید پسر سلطان عبدالعزیز مشهور بخلافت رسید ولی عنوان و سمتش تنها خلافت روحانی بود و حق مداخله در امور سیاسی و کشور بر او نداشت، اما خلافت خشک و خالی عبدالحمید چند ماهی بیشتر طول نکشید و در آوریل ۱۹۲۳ بر طبق تصمیم مجلس کبیر ملی تمام خاندان آل عثمانی از ترکیه اخراج شدند که از آن جمله یکی هم همین خلیفه آخرین بود .

(نقل از روزنامه هفتگی هور مورخه ششم ذی القعدة هزار و سیصد و شصت و سه قمری مطابق دوم آبان ۱۳۲۳ شمسی و ۲۳ اکتبر ۱۹۴۴ میلادی)

در نقل تواریخی که در روزنامه هور آمده مختصر مسامحاتی هست باین معنی که مجلس کبیر آنکارا در تاریخ اول نوامبر ۱۹۲۲ (نهم صفر ۱۳۴۱ قمری) مقام سلطنت را در عثمانی ملغی ساخت و سلطان محمد ششم در ۱۷ همان ماه از استانبول با یک کشتی انگلیسی بجزیره مالطه گریخت ، مجلس آنکارا هم عبدالمجید خان دوم را بخلافت رسمی برداشت ولی او دیگر با وجود جمهوری شدن ترکیه قدرت و مقام سلطنت نداشت .

این خلافت رسمی نیز در سوم مارس ۱۹۲۴ (۲۵ جمادی الثانیه ۱۳۴۲ قمری) بکلی لغو گردید و دولت جدید ترکیه بکلیه اعضاء خاندان آل عثمان امر کرد که از این مملکت خارج شوند و عبدالمجید خان دوم هم از جمله ایشان بود .